**بررسی** **دگردیسی معرفتی مهدی اخوان ثالث در نگاه به مکتب رضوی**

رسول حیدری؛ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان : Heydari.ra@lu.ac.ir

دریفت:24/1/1399

پذیرش:21/4/1399

**چکیده**

 مهدی اخوان ثالث، شاعر توانای معاصر، از معدود شاعرانی است که با دو رویکرد متفاوت دربارة امام رضا(ع) سخن گفته­است. مطالعۀ دفترهای شعری اخوان نشان می­دهد که وی در دهه­های نخستین شاعری خود نگاه خوش‌بینانه­ای به ملزومات بیرونی و نمودهای اجتماعی مکتب رضوی ندارد؛ اما در اواخر دورۀ شاعری، این تلقی جای خود را به باور و فراتر از آن عشق و ارادت قلبی به مقام امام رضا (ع) می­دهد. این دگردیسی در نظام فکری اخوان ثالث به عنوان یک شاعر برجسته و دگراندیش معاصر بسیار حائز اهمیت است و نشان می‌دهد که شعر دگراندیش معاصر نیز از تأثیرات اندیشۀ رضوی برکنار نمانده است. نظر به اهمیت این موضوع، تحقیق حاضر در پی تبیین چگونگی و چرایی این دگردیسی اعتقادی است؛ به عبارتی در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالیم که تغییر دیدگاه اعتقادی اخوان به جایگاه امام رضا (ع) چگونه و به چه دلایلی رخ داده است. روش تحقیق به صورت تحلیلی توصیفی است. با مد نظر قرار­ دادن آرا برخی صاحب نظران و با تحلیل اشعار شاعر، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که دگردیسی معرفتی اخوان بر اساس دو فرضیۀ «تکامل» و «تناقض» قابل تبیین است؛ بر اساس فرضیۀ «تکامل»، شاعر با تجدید نظر در مواضع پیشین خود، سیری تکاملی را تجربه کرده و با ارادت به ساحت رضوی، بُعد دینی اعتقادی اندیشه‌اش را به کمال رسانده و بر اساس فرضیۀ «تناقض»، شاعر تا پایان عمر در حیرت و تناقض معرفتی به سر برده است.

**کلیدواژه‌‌ها**: امام رضا (ع)، ادبیات معاصر، شعر رضوی، دگردیسی معرفتی، مهدی‌اخوان ثالث.

1. **مقدمه**

 ادبیات معاصر ایران با تمام ویژگی­های فکری و ساختاری آن، برایندی از جدال تجدّدطلبان دورۀ مشروطه با نمودهای سنّت ایران کهن است؛ این ادبیات با رویکردی نوگرایانه، انتقادی و تکثرخواه تا به امروز فراز و نشیب‌هایی را برای جستن از بسیاری از قیود سنّتی پشت سر گذاشته­ است. در دورۀ مشروطه، نویسندگان و شاعران بسیاری به پیروی از روشنفکران و دگراندیشان، با پیش کشیدن موضوعات اعتقادی، بسیاری از باورهای عرف دینی و مذهبی را به چالش کشیدند؛ «آنان از یک سو اندیشه‌های ناسیونالیسم ایرانی را تدوین کردند و از سویی تاریخ را به روایت تازه‌تری نوشتند تا توانستند اغراق کردند و افتخارات گذشته را بزرگ و بزرگ‌تر جلوه دادند. آنان در این راستا و برای بر انگیختن عواطف ضد استعماری به تحریک عواطف ملی و مذهبی پناه بردند تا به ملت بگویند ما روزگاری ملتی بوده ایم با اقتدار»(آجودانی، 1393: 117). نتیجۀ این امر ظهور شاعران و نویسندگانی چون «میرزاده عشقی» در آن دوران و « اخوان ثالث » در دورۀ معاصر بود که با تاکید بر ناسیونالیسم ایرانی، منتقد سنّت دینی و مذهبی حاکم بر جامعه ایرانی بودند. اگر شاخصه‌های فکری اخوان را در چند مورد انگشت‌شمار خلاصه کنیم، بی گمان دل‌مشغولی های دینی و اعتقادی از مهم‌ترین آن‌هاست.

 یکی از مفاهیم اساسی در حوزۀ تشیع و از آن میان تشیّع ایرانی، «سیره رضوی» و جایگاه امام رضا (ع) است که تاثیرانکارناپذیری در فرهنگ ایرانی و به ویژه در متون نظم و نثر ادب فارسی داشته است. در ادبیات معاصر نه تنها از این تأثیر کاسته نشده بلکه با نگرش های مختلف و شیوه‌های متنوع‌تری نمایان شده­ است. با وقوع انقلاب اسلامی و پر رنگ شدن موضوعات فرهنگی اعتقادی، گروه قابل توجهی از شاعران در حوزۀ شعر آیینی و ولایی و ادبیات پایداری، با تمرکز بر شخصیت اثرگذار امام رضا (ع) و پیوند آن با مبحث ولایت، اخلاق و سبک زندگی اسلامی، بیش از پیش بر اهمیت جایگاه سیره رضوی تاکید کردند. با توجه به اهمیت مقام شعری اخوان ثالث در ادبیات معاصر، آگاهی از جهت‌گیری‌های اعتقادی و به خصوص نگرش او به مکتب و فرهنگ رضوی اهمیت ویژه‌ای دارد.

**1-2. بیان مسئلۀ پژوهش**

 شعر اخوان علاوه بر توجه به موضوعات مرتبط با ایران باستان و موضوعات اجتماعی و موضع‌گیری­های سیاسی، منعکس­کننده برخی اظهارات دینی و اعتقادی اوست. مطالعه آثار او به خصوص مقایسه بین دفترهای اولیه و دفترهای اخیر او نشان می‌دهد که نوعی ناهماهنگی در متن سروده‌های او در نگاه به مقام امام رضا (ع) و توسل به او و آداب و مناسک مرتبط با این عقیده وجود دارد. وجود این تنوع و تفاوت و علاقه به واکاوی جنبه‌های این تضاد، انگیزۀ اصلی برای انجام این پژوهش بوده است. از آن‌جا که برای پی بردن به مشخصه‌های اعتقادی یک شاعر، لازم است منظومۀ فکری و نظام معرفتی او را به عنوان یک کل در نظر گرفت تا از این طریق به نتیجۀ مشخص و شفاف‌تری دست یافت، بر این اساس داوری دربارۀ اخوان و اظهارات او راجع به امام رضا (ع) و ملازمات این عقیده، نیاز به شناخت جهان‌بینی او دارد؛ بر خلاف نگاه معمول که اخوان را شاعری بی اعتنا به اعتقادات دینی معرفی می‌کند، وی از جمله شاعرانی است که مقولۀ دین و مذهب را سخت جدّی گرفته است؛ دل‌مشغولی او با دین، حتّی در انتخاب نام فرزندان و کتاب‌هایش نیز بی تأثیر نبوده است. او بر خلاف شاعری چون شاملو که اساساً منطق دینی را بر نمی‌تابد، به آموزه‌های دینی علاقه‌مند است؛ اما به نظر می‌رسد در گزینش‌های اعتقادی خود دچار نوسان و تشکیک است و در برهه‌های مختلف به آیین­ها و ادیان مختلفی علاقه­مند شده است؛ توجه او به زردشت پيامبر ايراني و باستاني از شناخته‌ترين جنبه‌هاي تفكر اوست. اين دلبستگی، حاصل انس و الفت ديرين و عميق او با آموزه‌هاي زردشتي است. از طرفی مزدک نیز مورد ستایش اوست؛ از این جهت که معتقد است که مزدک بر خلاف زردشت که تعالیم‌اش بيشتر اعتقادي و آییني است، دربارۀ مسائل اجتماعي و تربيتي بيشتر و ملموس‌تر سخن گفته است. وی مزدک را تالي يا به تعبير خودش «مكمل و مجدِّد» تعاليم زردشت مي‌داند. انديشه‌هاي اشتراكي و به تعبيري كمونيستي مزدک مهم‌ترین عامل علاقه‌مندی اخوان به اوست(اخوان،1390ت: 156)**.** مانی، سومين پيامبري ست كه اخوان بلافاصله پس از زردشت و مزدك به عنوان پیامبری ایرانی ستوده است؛ بودا، پیامبر هندوان نیز به دلیل ویژگی‌های خاصّ شخصیتی، به خصوص روح صوفی منشی و دنیاگریزانه‌اش، سخت مقبول طبع اخوان واقع شده است؛امّا «مزدشت» راهكار نهايي او براي تحقّق آمال شاعرانۀ اوست؛ تركيبي از نام مزدك و زردشت: «مزدشت، نامي پيوندي است كه من از «مزدك و زردشت» آن دو دريا، دو خورشيد جاودانه ساخته­ام، نام شخص خاصّي نيست. من چنين انديشيده­ام كه مزدشت پيوندي و تركيبي از ميوه‌ها و نتايج زيبا، خردمندانه و امروزين انديشه­هاي آسماني و زميني زردشت و مزدك تواند بود»(اخوان، 1389ب : 311) آیینی که به گفته خودش یک نفر پیرو دارد و آن خود اوست و در آن دورۀ اسباب طعنه و سرزنش بسیاری از شاعران و منتقدان را فراهم کرده بود(عظیمی و طیّه، 1393: 935).

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| يكي آزاده مردم، ساده انديش  |  | ندانم چند و چون مكر و فن‌ها  |
| نه شرقی و نه غربي و نه تازي  |  | همي گويم نه پرچون پر سخن ها  |
| راه آزادگر «مزدشت» پويم  |  | نه راه غرب و شرق و راهزن ها  |

(اخوان،1389ب : 134)

 درکنار علاقه­مندی شاعر به ادیان پیش از اسلام، با مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نسبتاً متضاد دربارۀ دین اسلام مواجه‌ایم. تردیدی نیست که اخوان در سال‌های آغازین شاعری خود، اغلب به هر آنچه «میراث تازیان» است می تازد و حتی در مواردی برخی اعتقادات اسلامی یا دست کم شیعی را به چالش می‌کشد؛ با این حال شاعر خود را از هر گونه اتّهامی مبرّا می‌داند و معتقد است که اظهاراتش از سنخ ستيزۀ دینی نيست و روي سخن او با اعراب است؛ «اشتباه نكنيد آنچه من در اين زمينه مي‌گويم ربطي به دين اسلام ندارد. هوچي ها و مغرضان داد و قال نكنند... مشتي غارتگر و مهاجم عرب از بني اميّه و بني عباس بودند كه به بهانۀ رواج اسلام، مرتكب چه بسيار جنايت‌ها شدند كه روح اسلام از آن بسا كه بيزار هم باشد»(اخوان، 1389ب: 64). برخی از سروده های وی نیز به طور کلی انکار ادیان و پیام آورانش است و با عصیان همراه است؛ اشعاری چون خفتگان، از آن سوی پایان و مرداب از این سنخ هستند(اخوان، 1389 الف: 41، 89 و 134). او در نگاه به ادیان، جنبه‌هایی را تأييد می‌کند كه همسو با اخلاق و فضيلت انساني است؛ به عبارت دیگر، ملاك و معيار او در برتري یک عقیده، ميزان توجه به معيارهاي انساني در گفتار و عمل است و به همين سبب، هر نوع جناح‌بندي و فرقه‌سازي مذهبی و ایدئولوژیک را تقبيح مي‌كند: «امروز مذهب، خاصّه براي كساني كه يك سر و گردن از محيط خود بالاترند و مواريث گذشته را سبك سنگين مي‌كنند، مسئله مهمي نيست، آنچه مهم است شيوه تفكّر و بينش آدميان روشن‌انديش است... آنچه مهم است اين است كه انسان امروز با شمّ و بينش بشري و اجتماعي، به حقايق زندگي آزاد و شرافتمند امروز آشنا باشد. اين‌هاست آنچه مقدّس و شريف است»(اخوان، 1348: 2-101).

 موضوع حائز اهمیت دیگری که توجه به آن ضرورت دارد، جایگاه اخوان در «شعر آیینی» است؛ عمدتاً در پژوهش‌هایی که دربارۀ شعر اخوان انجام می‌شود سبک و زبان شعری او مورد توجه است و در حوزۀ فکری نیز باستان‌گرایی و دیدگاه‌های او دربارۀ سیاست و جامعه، بخش پررنگ تحقیقات اخیر را تشکیل می‌دهد اما از منظر «شعر آیینی» سروده‌های اخوان جایگاه درخور توجهی دارد. از این میان، سروده‌های آیینی او دربارۀ مقام و منزلت امام رضا (ع) هم از نظر کمّی، هم از نظر کیفی و استواری سخن، در سطح بالاتری از بسیاری از شاعرانی است که در حوزۀ شعر ولایی و آیینی مطرح هستند و این مسئله‌ای است که در پژوهش مرتبط با اخوان از آن غفلت شده است.

 **1-3. پرسش‌های پژوهش**

1. سیر تطور فکری و اعتقادی اخوان دربارۀ جایگاه و منزلت امام رضا (ع) چگونه است؟
2. دگردیسی معرفتی اخوان را در نگاه به مکتب و فرهنگ رضوی، بر چه اساسی و بنا به چه دلایلی می‌توان تبیین و توجیه کرد؟

**1-4. اهداف و اهمیت پژوهش**

بنا بر مقدّمات یاد شده، هدف این پژوهش، بررسی سیر تطوّر معرفتی اخوان در نگاه به مکتب رضوی و نهایتا تحلیل علل و ریشه‌های دگردیسی و چرخش اعتقادی او دربارۀ امام رضا (ع) است. به این منظور سعی بر آن است با مقایسۀ محتوای اشعار و دلالت‌های معنایی آن، همچنین مد نظر قرار دادن تاریخ این اشعار (بر اساس ترتیب چاپ) چگونگی و چرایی این تغییر دیدگاه را دریابیم. این دگردیسی و تغییر از آن‌جا که متعلّق به یکی از شاعران برجسته معاصر است، اهمیت بسزایی دارد و نشان می‌دهد که شعر دگراندیش معاصر نیز از تأثیرات اندیشه رضوی برکنار نمانده است.

**1-5. روش تحقیق**

روش تحقیق به صورت تحلیلی توصیفی است؛ در ابتدا شواهد شعری مرتبط با موضوع تحقیق از میان اشعار شاعر، انتخاب شده و در مرحله بعد با استناد به کتاب‌های جنبی دیگری که در تقویت بحث موثر بوده، نقد و بررسی شده است.

**1-6. پیشینه تحقیق**

 از پژوهش‌هایی که دربارۀ موضوع این پژوهش صورت گرفته است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: توفیقی (1398) در مقاله‌ای با عنوان «مشهد و عناصر هویتی آن در شعر مهدی اخوان ثالث» به موضوعاتی که در ارتباط با خراسان است و در شعر اخوان بازتاب یافته، پرداخته است؛ موضوعاتی چون روابط شخصی اخوان با مردم خراسان، لهجۀ مشهدی در شعر اخوان، تاثیرپذیری او از سبک خراسانی و مواردی از این دست. در این میان، حضور امام رضا و حرم رضوی در شعر اخوان به صورت توصیفی و کوتاه بررسی شده است. بادلو، امیراحمدی و عشقی سردهی (1397) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی مولفه‌های اعتقادی در اشعار اخوان ثالث و احمد شاملو از دریچۀ نظریۀ بینامتنیت»، تاثیر کلام قرآن و احادیث و روایات را در شعر این دو شاعر بررسی کرده‌اند. بیگ زاده و شاهرخی (1397) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی دفاع مقدس» با بررسی اشعار رضوی شاعران دفاع مقدس به تحلیل زبانی و ساختاری این اشعار با تاکید بر تقابل زوج‌های واژگانی و معنایی پرداخته و تاثیر آن را در شناخت ساختار متن یادآور شده‌اند. رحیمی زنگنه و بیگ زاده (1397) در پژوهش دیگری در حوزه شعر معاصر با عنوان «جلوه‌های پایداری در مناظره‌های امام رضا (ع) و سروده‌های صفارزاده و گرمارودی» به این نتیجه رسیده­اند که این دو شاعر، در سروده‌های خود به مفاهیمی چون شجاعت در رویارویی با منکران، آزاد اندیشی، شکیبایی، آگاهی بخشی و مواردی از این دست که در مناظرات امام رضا (ع) نمود دارد، توجه ویژه‌ای داشته‌اند. بیگ زاده و الماسی (1395) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های اوصاف رضوی در خراسانی‌های یدالله بهزاد کرمانشاهی» به تحلیل محتوای شعر شاعر پرداخته و با اشاره به فضیلت‌های امام رضا ع از زبان شاعر، آن‌ها را دسته‌بندی و بررسی کرده‌اند. بیگ زاده و کیانی (1394) در مقالۀ «شعشۀ خورشید خراسان در مثنوی مادر آهوان احمد عزیزی» پیام این مثتوی آیینی را غریب‌نوازی امام رضا‌ (ع) عنوان کرده و آن را نجوای انسان غریب امروزین دانسته‌اند. به طورکلی اغلب پژوهشگران، هر یک از زاویه‌ای به این تاثیرات توجه کرده‌اند و پژوهش مستقلی که به طور خاص به دگردیسی فکری اخوان در نگرش به جایگاه امام رضا (ع) پرداخته باشد، یافت نشد.

**2. بحث**

**2-1. سیر دگردیسی معرفتی اخوان در نگاه به مکتب رضوی**

 جست‌وجو در دفترهای شعری اخوان، از «ارغنون» تا دفتر «سال دیگر ای دوست ای همسایه» که جدیدترین اشعار منتشر شده اوست، نشان می‌دهد که علاوه بر تشتّتی که عموماً در الهیّات او وجود دارد به طوری که هم از دین زردشتی و مزدکی سخن می‌گوید، هم از آیین بودایی، هم از اسلام مواضع او به طور خاص در نگاه به اسلام نیز یک‌دست و همسو نیست. از این رو در مواضع او درباره بسیاری از مباحث اسلامی با دو رویکرد مواجهیم: گرایش‌های غیر همسو که اغلب مربوط به دوره جوانی اوست و گرایش­های همسو که بیشتر مربوط به اواخر دورۀ شاعری اوست.

 مواردی چون عصیان در برابر خداوند، نقد برخی سنن دینی، گرایش به آیین‌های زرتشتی و مزدکی و مانوی، نقد متولیان دینی، می و مستی، تغزّل‌های جسمانی و فرودین و موضوعاتی از این دست می‌تواند به عنوان برخی مسائل غیر همسو با معتقدات اسلامی در شعر اخوان بررسی شود. از طرفی موضوعاتی چون ستایش خداوند، بازتاب آیات و مفاهیم قرآنی، تکریم پیامبر و ائمه به خصوص امام رضا (ع)، توجه به عرفان اسلامی و... مواردی است که همسو با معتقدات اسلامی است. بسامد بالای موضوعات اخیر در دو دفتر پایانی او، این دگردیسی را تایید می‌کند. از این میان امامت امام رضا (ع)، عظمت و شأن او و بالطبع تقدّس حرم و ثواب زیارت مرقد مطهرشان، آداب و ادعیه‌ای که زائران در زیارت مرقد به جا می‌آورند و حتّی حرمت زائران امام رضا موضوعاتی است که در دین اسلام و به طور خاص در مذهب تشیّع بدان­ها تأکید شده است. رویکرد اخوان در حیات شعری خود به این مسائل، یک‌دست نیست و نشان از تکامل معرفتی یا تغییر رویه و دگردیسی در جهان بینی دینی او بخصوص در نگاه به ساحت رضوی دارد. این دگردیسی و فراز و نشیب خاص دیدگاه مذهبی و اعتقادی او نیست و حتّی شیوه شعری او را نیز به چند دوره تقسیم کرده‌اند(زرقانی، 1383: 426). در یک نگاه کلی، اخوان در دو دورۀ متفاوت، دو نگاه متفاوت به مکتب رضوی دارد:

**2-1-1. دورۀ نخست؛ نقد و اعتراض**

همان طور که پیش تر گفته شد، اخوان در اوایل حیات شعری خود دلبستگی فراوانی به میراث ایران باستان دارد. این دلبستگی گاه در کسوت توجه به اسطوره­ها و پهلوانان ایرانی است، گاه در علاقه­مندی به زبان کهن و گاه در دلبستگی به آموزه­های ادیان ایران باستان و پیامبران‌شان است. تلقی و برداشت اخوان در این دوران، همانند شاعران آرکائیست مشروطه نظیر عارف قزوینی و میرزاده عشقی این است که وفاداری به ایران باستان در مخالفت و تقابل با باورهای مذهبی رایج روزگارشان نمود و مصداق پیدا می‌کند. از این نظرگاه است که اخوان در این سال‌ها خراسان را با فردوسی و پهلوانان شاهنامه می‌شناسد و توجه کمتری به نفوذ معنوی و جایگاه فرهنگ رضوی در مشهد دارد؛ از طرفی به نظر می‌رسد اخوان همانند بسیاری از شاعران که معمولا در آثار اولیۀ خود خط مشی مشخصی در جهت‌گیری های فکری و اعتقادی خود ندارند، تحت تاثیر هیجانات آرمان‌خواهانه دورۀ جوانی قرار گرفته است.

 اشعار این دوره اغلب از دفتر «زمستان» است؛ یعنی دومین دفتر شعری اخوان بعد از ارغنون و حاصل تأملات و عواطف او در سال‌های پرشور جوانی که سال 1335 به چاپ رسید. نقدهای دینی او در این سال‌ها بی پرواتر و تند و تیزتر است و به خصوص سروده‌های او در دفتر «ارغنون» نشان می‌دهد که دیدگاه‌های دینی و نظام فکری‌اش، خالی از مواضع هیجانی و عاطفی نیست. مهم‌ترین و آشکارترین رویکرد انتقادی او، نگاه منفی شاعر به تاثیر بارگاه رضوی بر خراسان آن روزهاست که در دو بیت در دفتر ارغنون آمده است؛ شعری که سال 1326 یعنی در 19 سالگی در مشهد سروده است. اخوان در توضيحات اين دو بيت نوشته كه خواننده مختار است به جاي «عزيزي»، «امامي» به كار برد. مصرع نخستین چنین است: ری دماوندي دارد، همدان الوندي...(اخوان، 1388، ج1: 147).

 بنا به مستندات تاریخی، مراودات فرهنگی امام رضا (ع) در مرو و توس و منش و رفتار ایشان در سال‌های ورود، مردم آن دیار را مشتاق خود کرد و چهرۀ فرهنگی خراسان را هم در زمان حیات او و هم بعد از شهادت ایشان تغییر داد. خراسان امروز نیز تحت تاثیر وجهۀ علمی، سیاسی و قدسی اوست تا جایی که سبک زندگی اسلامی در خراسان امروز متاثّر از حضور معنوی ایشان است(حسین پور، 1396: 21) با این حال اخوانِ عصیانگرِ آن روزها چهرۀ فرهنگی شهر را نمی‌پسندد. در دو سروده از دفتر «زمستان»، نگرش اخوان به اقامه نماز و زیارت حرم مطهر و التزام مردم مشهد به این مقدّسات با انتقاد و سرزنش همراه است:

ششصد هزار انسان که برخیزند و خسبند/ با بانگ محزون و کهنسال نقاره/ دایم وضو را نو کنند و جامه کهنه / از ابروی خورشید تا چشم ستاره / وز حاصل رنج و تلاش خویش محروم(اخوان، 1390الف: 68) اخوان این شعر را در شهریور سال 1331، در 25 سالگی در مشهد سروده و ناگفته پیداست که سخن از صدای نقارۀ حرم و به تبع آن وضو گرفتن مردم برای اقامۀ نماز است. به نظر می‌رسد تأسف وی از چنین مشاهداتی بیشتر از آنکه به معنی مخالفت با اعتقادات مردم باشد، متوجّه این مسئله است که مردمی چنین کوشا در امر دین، در رسیدن به حقوق انسانی و رفع نیازهای مادّی خود کاهل و بی نصیب‌اند. در شعری دیگر به نام «خفته» دقیقاً با مضمونی مشابه شعر قبلی مواجه‌ایم: توصیفی تیره از صدای نقاره و اذان و سخن از غفلت و انفعال مردم: آمد مرا به گوش غریوی که می‌کشید/ نقّاره با تغنّی منحوس و دلخراش/ ناقوس شوم مرده دلان است کز لحد/ سر بر کشیده­اند به انگیزه معاش/ .../ توأم به این سرود پر ابهام مذهبی/ در آسمان تیره نعیب غراب‌ها/ گفتی ز بس خروش که می‌آمدم به گوش/ «غلتان شدند از بر البرز آب‌ها» ...(همان: 6-33)

 با اینکه اخوان اهل مشهد است و بارها از تعلّق خاطر خود به خراسان سخن گفته و از بزرگان آن دیار، از مرادش فردوسی گرفته تا ادبایی چون محمود فرّخ، گلشن آزادی، عماد خراسانی و دیگران به نیکی یاد کرده، امّا در مقاله‌ای با عنوان «توس دیروز، مشهد امروز» از تعصّب و جهل عده‌ای انتقاد کرده است(اخوان، 1384: 215) در شعر «نظاره» از دفتر «زمستان» هم که در همان شهریور 1331 در مشهد سروده، با نگاهی تیره و منفی، تلقی مذهبی و سنتی مردم خراسان را نقد کرده است: باز فتادم به خراسان مرگبار/ غمزده، خاموش، فروخفته، خصم کام/ دزدی و بیداد و ریا اندر آن حلال/ حرّیت و موسقی و می در آن حرام(اخوان، 1390الف: 65).

 نگاه اخوان در این سال‌ها اومانیستی است و اساساً اعتقادی به قدسیّت نقاره و زیارت و نظایرش ندارد. حتی به ادیان نیز با نگه انسانی می نگرد؛ زردشت را می پسندد چون گمان او این است که به آزادی انسان ارج نهاده( اخوان، 1389ب: 134 و 157) و مزدک را می‌ستاید چون به زعم او به برابری و اشتراک منافع انسان‌ها رای داده است(اخوان، 1393، ج3: 163و 238) و مانی و بودا را به دلیل ترویج اخلاق انسانی شایسته درود می‌داند(اخوان، 1384: 101و 166). این نوع اعتراضات روحیه غالب اخوان در طرح اینگونه مسائل است. اخوان اعتقاد دارد که «ارج از سودمندی خیزد و زیباییِ هر کار انسانی» (اخوان،1390ب: 61-60) و این شعار همیشگی او در برخورد با این مسائل است. در مؤخرة «از این اوستا» نیز همین عقیده را می‌بینیم: «به نظر من هیچ امری «ثابت و مقدّس» نیست مگر آنکه برای زندگیِ عالیِ روحی، سودمند و لازم باشد. برای یک «شرف طبیعی» لازم باشد، مسلماً بسیاری و شاید تمام قیود و سنّت‌هایی که ما داریم و به تحمیل بر جامعه ما جاری و حاکم است، غیر لازم و عبث و نابهنجار است»(اخوان، 1390ت: 160) با این نگاه و طرز تلقی است که بسیاری از مقدّسات برای او رنگ می بازد و آن‌ها را از مقوله امور «غیرلازم و نابهنجار» می‌داند.

**2-1-2. دورۀ پسین؛ ستایش و ارادت**

این دوره، سال‌هایی را شامل می‌شودکه شاعر، مکتب رضوی را به عنوان اصلی مهم و تاثیرگذار می‌پذیرد و پای فراتر نهاده، به دفاع از مقام امام رضا (ع) می‌پردازد. اخوان تعریف خاص و متفاوتی از «شعر» دارد که می‌توان این تحوّل فکری را بر اساس این تعریف تبیین کرد؛ او معتقد است که «شعر محصول بی تابی های آدمی است در لحظاتی که آدمی در پرتو شعر برتر و شعور نبوت قرار می‌گیرد»(اخوان، 1382: 394). آنچه که پیوند دهنده ستایش­های اخوان از امام رضا (ع) با این تعریف است، تأکید او بر «آفرینش شعر در لحظه‌های بی تابی» است؛ لحظه‌هایی که شاعر به شعور و دریافتی می‌رسد که او را وادار به آفرینش شعر می‌کند؛ از بین چهار سروده اصلی او در ستایش امام رضا (ع)، دست کم دو شعر (یا علی بن موسی الرضا (ع) و علی بن موسی الرضا ای شهی... ) که از نظر کمّی هم غالب اشعار او را در ستایش امام رضا (ع) تشکیل می­دهد، به نحو روشنی حاکی از نوعی بی تابی و درماندگی است؛ لحظه‌هایی که شاعر در معرض همان یافت و شعور متعالی قرار گرفته و نتیجه آن آفرینش این اشعار شده است. اخوان در مقدمۀ یکی از این اشعار، سروده خود را «شکوا و توسّل» دانسته نه «لقلقه لسان» که در واقع تأییدی است بر اینکه این سروده‌ها در «لحظات بی تابی» رخ داده است. بر این اساس شاعر در این دوره با «شعور» و یافتی متعالی و متفاوت از دورۀ اول به منزلت و مقام رضوی نگریسته است.

 اگر بخواهیم بر اساس ترتیب انتشار دفترهای شعری اخوان استدلال کنیم، یافته­ها نشان می‌دهد تقریبا همۀ سروده‌هایی که شاعر به تأیید و تمجید اسلام و تشیّع و بزرگان دین پرداخته دو دفتر اخیر اوست؛ به علاوه مقاله‌ای با عنوان «آيات موزون افتاده قرآن كريم». در تاریخ ادبیات ما بسیاری از شعرا و عرفا نظیر ناصرخسرو، سنایی، عطّار و حتّی در دورۀ معاصر شاعری چون شهریار، در نیمه راه زندگی و تجدید نظر در برخی باورها، به مسائل اعتقادی رغبت بیشتری نشان داده­اند. به نظر می‌رسد اخوان نیز از این حکم مستثنی نیست. تأمل در آثار اخیر او (به خصوص در دفترهای دوزخ اما سرد، در حیاط کوچک پاییز در زندان و زندگی می‌گوید امّا باید زیست) از نوعی تغییر در جنبه‌های فکری و معرفتی او پرده بر می‌دارد. این تغییر بیشتر از آنکه در ساحت زبان باشد، به چگونگی درک او از هستی بر می‌گردد؛ اخوانِ آتشین دمِ پرجوش و خروش، در این دوره به شاعری آرام و اندیشمند بدل می‌شود. شعله‌های سرکش شعرش فرو می‌نشیند اما شعور هستی شناسانه‌اش رنگ پختگی می‌گیرد. «موضوعاتی چون رابطۀ انسان و خدا، زروانیسم، اسلام و تشیّع، مرگ اندیشی و مواردی از این دست موضوعات برجسته و وجه غالب اندیشگی سروده‌های اخیر اوست»(حیدری، 1393: 29) توجه به امام رضا (ع) و ارادت به ساحت او نیز محصول تحول فکری او در این دوران است. اخوان در این سال‌ها شاعری است آرام و معتقد که در کسوت شاعری مسلمان و حتّی شاعری سخت دلبسته به تشیّع سال‌های پایانی شاعری‌اش را سپری می کند؛ برای مثال در مقاله «آيات موزون افتاده قرآن كريم» از اينكه كفّار پیامبر را «شاعر» می نامند اظهار ناخرسندی می‌کند و از مقام نبوّت دفاع می نماید. (اخوان، 1373: 194). در دفتر «تو را ای کهن بوم و بر...» نیز برخی از اشعار او، ترجمه­های منظوم او از کلام حضرت علی (ع) است. ماجراي اندوهبار كربلا و شهادت امام حسين(ع) نیز كه بازتاب گسترده‌اي در شعر فارسي داشته، در دل مهدي اخوان ثالث هم راه گشوده و او را به دفاع از حقانيت حسين بن علي(ع) و همدردي با او واداشته است. (اخوان،1384: 292).

 امّا از بين ائمه، حضرت رضا(ع) از آن جهت كه در مشهد مدفون هستند و اخوان بيش از ديگر بزرگان دين به ايشان پرداخته، حائز اهميّت است. اخوان در این سالها، از شدّت و حدّت اعتراضات و جبهه گيري هاي اعتقادي خود كاسته و هم گام با معتقدات مذهبي مردم خود، بيش از پيش ارادت خود را به ائمه دين به خصوص امام رضا(ع) نشان داده است. در تك بيتي كه در راه مشهد سروده است، ارادت او آشكار است:

در ره توسم چه باک ار برف و سیل و آتش آید سالک راه رضا را هر چه پیش آید خوش آید!

 (اخوان، 1389ب: 354)

 از مهم‌ترين سروده‌هاي اخوان در مدح و منقبت حضرت امام رضا(ع) سروده‌ای است كه تا سال‌های اخیر در دفترهاي او چاپ نشده بود. يكي از اين سروده‌ها در كتاب «نامي و نامه اي از مهدي اخوان ثالث» به وسیلة جعفر پژوم منتشر شده كه به گفته مولفِ کتاب، شعر را مزدك علي، پسر اخوان، در اختيار او قرار داده است(پژوم، 1381: 10). این سروده که در مهر سال 61 سروده شده بود، برای اولین بار سال 93 در دفتر «سال دیگر ای دوست ای همسایه» منتشر شد. علّت تأخیر در انتشار این شعر هم خود موضوعی قابل بررسی است. محتواي شعر از اعتقادي راستين و دروني اندوهناك حكايت مي‌كند و با روحیه و فضای شعری دفترهای قبل شاعر تفاوت دارد. برخی سطرهای این سروده: اي علي بن موسی الرّضا! اي پاكمرد يثربي! در توس خوابيده/ من تو را بيدار مي‌دانم/ زنده‌تر، روشن‌تر از خورشيد عالمتاب/ از فروغ و فرّ شور و زندگي سرشار مي‌دانم/.../ اي (چو بختم) خفته در آن تنگناي زادگاهم توس/ - دركنار دون تبهكاري كه شيرِ پیرِ پاك آیین، پدرت/ آن روح رحمان را به زندان كُشت-/ من تو را بيدارتر از روح و راه صبح، با آن طرّه زرتار مي‌دانم/ .../ مهربان خورشيد تابنده!/ اين غمين همشهريِ پيرت/ اين غريبِ ملك ري، دور از تو دلگيرت/ با تو دارد حاجتي، دردي كه بي شكّ از تو پنهان نيست/ وز تو جويد (در نماني) راه و درماني/ جاودان جانِ جهان! خورشيد عالمتاب!/ اين غمين همشهري پير غريبت را، دلش تاريك تر از خاك/يا علي موسی الرّضا! درياب!/ چون پدرت اين خسته دل زندانيِ دَردي روان كُش را/ يا علي موسی الرّضا درياب! درمان بخش!/ يا علي موسی الرّضا درياب!(اخوان، 1393: 28).

 سرودۀ بالا در تعارض تامّ با اشعاری است که در بخش دورۀ نخستین شاعر آمد که چرخش فکری را آشکار می‌کند. علاوه بر اين سروده، قطعه‌اي بلند نيز در ابتداي کتابِ «دفترهاي زمانه»(بدرودي با مهدي اخوان ثالث و ديدار و شناخت م.اميد)(طاهباز، 1370: 13-11) و با دستخط خود اخوان آمده كه سال 93 در آخرین دفتر شاعر (سال دیگر ...) منتشر شده است. طاهباز در چند و چون اين قطعه توضيحي نداده؛ اما پس از چاپ در دفتر اخیر، اخوان دو صفحه توضیح بر آن افزوده است. در ابتدای این مقدّمه، دلبستگی و ارادت خالص شاعر به ساحت حضرت رضا (ع) و تغییر بنیادین در نظام معرفتی او آشکار است: «شکوا و توسّلی است به حضرت امام علیّ بن موسی الرضا، درود بر او، درود پاکان و نیکان، نه لقلقه لسانِ هر ریش مصلحتیِ ناپاک درون که دور باد از امام شهر ما خراسانیان»(اخوان، 1393: 145) برخی از ابیات این قطعه:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| علي بن موسی الرّضا اي شهي  |  | كه بر درگهت كوسِ دولت زنند  |
| شهي كو جبين بر زمينت نسود  |  | بر او ز آسمان داغِ نكبت زنند  |
| حسودانم از مکمن حقد و خبث  |  | سنان جفا، تیر طعنت زنند  |
| به نام تو آراستم این سرود  |  | کز آن سکّه سرّ صفوت زنند  |
| مهل یا علی بن موسی الرّضا(ع) |  | که بر کشت من سمّ و آفت زنند  |
| تو از آن مایی و ما زآن تو  |  | گواهان بر این، مُهرِ صحّت زنند  |
| الا یا علی بن موسی الرّضا(ع) |  | که صبح و شبت کوس حشمت زنند  |
| بسا پنج نوبت زنان بر درت  |  | پشیمان، سر ترک و نوبت زنند  |
| تو هشتم امامی، دو نوبت کم است  |  | بگو دست کم هفت نوبت زنند  |

 (همان: 147)

 در فروردین 67 اخوان « بیمار گونه و گریزان از بمب و موشکِ جنگ تحمیلی« به توس می‌رود و به محض ورود قصیده‌ای می‌سراید. این قصیده با همان سبک و سیاق خراسانی است و پس از بهاریه به مدح امام رضا (ع) و نهایتا هجو صدام پایان می‌یابد. برخی ابیات:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  از ری ز مهلکِ جنگ، جستم به مأمن توس  |  |  در زادبومِ خودم، بهتر امان و ضمان |
|  در ظلِّ بوالحسنم، هشتم امامِ همام  |  | حبل المتین درش، ملجای معتصمان  |
| همنام و نسل علی، آن برترِ ازلی  |  | سالار لم یزلی، زو محرم حرمان  |

 (همان: 129)

از نظر زمانی، آخرین شعری که از اخوان درباره امام رضا (ع) منتشر شده ، سه بیت است از قصیده‌ای ناتمام که تاریخ سرایش آن اردیبهشت 67 است. مانند ابیات فوق، سخن از بازگشت به توس (مشهد) است و اظهار ارادت به امام رضا(ع):

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بعدِ چل سال که ری داشت چو محبوس مرا  |  | می کشد خاک، دگرباره سوی توس مرا |
| کاش زآغاز نمی آمدم از توس به ری  |  | که به انجام نبود این همه افسوس مرا  |
| من که دست پدر خویش نمی بوسیدم  |  | مشهد توس فراخواند به پابوس مرا  |

 (همان:113)

 **2-2. واکاوی زمینه‌ها و علل دگردیسی معرفتی در اندیشۀ رضوی اخوان**

 در بررسی زمینه‌ها و علل این دگردیسی می‌توان قائل به دو دیدگاه شد؛ «تکامل» یا «تناقض». بر اساس فرضیه تکامل باید گفت که بر اساس ترتیب تاریخی سروده‌هایی که در آن باور به مکتب رضوی که البته بیشتر نمود بیرونی و برخی آداب و مناسک را شامل می‌شود، کمرنگ است مربوط به دورۀ جوانی شاعر است و ستایش‌ها و ارادت‌های او به امام رضا (ع) در آخرین دفترهای او نمود می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت که شاعر پس از اندیشیدن و چند و چون کردن دربارۀ برخی اعتقادات دینی و مذهبی به خصوص تعالیم رضوی، تغییر رویه داده و منفی‌نگری و ستیزه‌هایش به خشوع و تسلیم و اظهار ارادت بدل شده و به نوعی اندیشۀ دینی او به «تکامل» رسیده است. این احتمال، امر بعید و دور از ذهنی نیست. بسیاری از بزرگان در برهه‌ای از عمر، در باورهای خود تجدید نظر کرده و رفتاری متفاوت پیش گرفته‌اند.

 شکست‌های اخوان در زندگی شخصی، نا امیدی او از تغییرات مثبت اجتماعی که دفتر «آخر شاهنامه» نمود آشکار آن است و مهم‌تر از همه یأس فلسفی و معرفتی از عوامل اصلی در این چرخش فکری است. مورد اخیر یعنی یاس فلسفی و مشغولیت ذهنی او به ماهیّت و فرجام زندگی در آثار او نمود آشکاری دارد. بسیاری از اشعار او حاوی دغدغه‌های فکری و هستی شناسانه‌ای است که اگر چه نگاه عمیق فلسفی در آن نیست و نحوۀ ورود و خروج او به مباحث فیلسوفانه نیست؛ اما حکایت از روح جست‌وجوگری دارد که به دنبال یافتن راه حلّی برای معمّای هستی است. در اشعاری مانند نماز، سبز، ماجرا کوتاه، و ندانستن، درخت معرفت، روی جاده نمناک، او هست هست، صدا یا خدا، ای خدا خوانده خود آ، با نوعی تأملات فیلسوفانه یا به تعبیری «نیم فیلسوفانه‌ای که صدمه‌ای به جانب شعر ندارد»(شفیعی کدکنی، 1391: 152) مواجه‌ایم. به هر روی این عوامل شاعر دل‌شکسته را به نیروی ماورایی نیازمند کرده و مایه آفرینش اشعاری شده است که تسلیم و نیاز و دردمندی رنگ اصلی آن است و از آن جمله دو شعری که در بخش «دوره پسین » آمده و شاعر به ساحت رضوی متوسّل شده است. بنا بر این فرضیه شاعر سیر تکاملی داشته است.

 فرضیۀ دیگر در این زمینه «تناقض» است؛ با در نظر گرفتن جهت‌گیری های معرفتی مختلفی که اخوان در زندگی داشته، نظیر دل‌بستگی به زرتشت و مزدک، ابداع مفهومی به نام «مزدشت»، علاقه به بودا، نقد برخی باورها اسلامی و از آن میان منفی‌نگری­ های او در نگاه به مکتب و اندیشه رضوی و نهایتا بازگشت دوباره و تکریم پیامبر اسلام و ائمه بالاخصّ امام رضا (ع) می توان این تشتّت فکری و پراکندگی خاطر را به وضوح مشاهده کرد. شفیعی کدکنی در کتاب حالات و مقامات م.امید به تناقض اندیشگی اخوان اعتقاد دارد؛ «اخوان در حوزه الهیّات حالات گوناگون داشت؛ مثل یک روز بهاریِ بارانی و آفتابی با طیف‌های بی شمار رنگ‌هایش، از دشمنی بی امان با هر چه میراث تازیان است تا عشق به حضرت رضا (ع) و دفاع از تشیّع به عنوان یک آرمان ایرانی درخشان»(شفیعی کدکنی، 1391: 95). در جای دیگری ارزش هنري سروده‌هاي او را در گرو همين زيگزاگ هاي الهياتي و تناقضات ديني می‌داند: «به زبان ساده مي‌توانم ‌بگويم كه هيچ شعر حزبي يا مذهبي خالص تاكنون نديده‌ام كه ارزش هنري هم داشته باشد. بي گمان اگر شعر مذهبي اي كه ارزش هنري داشته باشد، يافت شود، به ناگزير صبغه‌اي از عرفان و گاه زندقه در آن وجود دارد و اين لازمۀ خلاقيت هنري است. من اين نكته را از زندگي با اخوان آموختم»(شفيعي كدكني، 1390: 553 ). به هر روی چه این دگردیسی را سیری تکاملی بدانیم و چه برخاسته از تناقض در مواضع شاعر، باید اذعان کرد که شاعر در همه عمر گرفتار حیرتی مبارک بوده؛ نوعی سرگشتگی و شیدایی که در طلب حقیقت ماورایی این جهان، او را در هر برهه ای از عمر پای بند دینی و مسلکی می‌کرده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای درخت معرفت جز شک و حیرت چیست بارت |  | یا که من باری ندیدم غیر از این بر شاخسارت |
| حاصلی جز حیرت و شک میوه‌ای جز شک و حیرت |  |  چیست جز این؟ نیست جز این؛ ای درخت پیر بارت |

 (اخوان،1389ب: 7-136)

به همین دلیل نمی توان تناقض فکری اخوان را به لاقیدی تعبیر کرد. دل‌بستگی او به زردشت برخاسته از حسن ظنّی است که به پیامبر ایران باستان دارد تا بتواند از این رهگذر پاسخی برای پرسش های الهیاتی خود بیابد. مزدک را به دلیل عدالت طلبی و مانی و بودا را از آن جهت که پیامبرانی اخلاق گرا می‌داند، می‌ستاید و در همه حال فطرت او جست‌وجوگر نیرویی متعالی است؛ «من از آن كسانم كه نمي‌توانم آزاد ويله و بي ايمان و آماج باشم. سرشت من چنين است كه نمي‌توانم هردمبيل و ولنگار و بيراه باشم. بايد به امري مقدّس و بزرگ و خيال مي‌كنم شايد عالي و بشري ايمان داشته باشم. اين ايمان به منزلة جان من است»(اخوان، 1390ت: 161). همان طور که پیش‌تر گفته شد، اخوان همانند بسیاری از بزرگان در برهه‌ای از عمر متحوّل می‌شود؛ اما این بدین معنا نیست که در این سیر تکاملی از الحاد به ایمان می‌رسد، بلکه از ایمان به ادیان باستان به باورهای اسلامی میل می‌کند؛ بهاءالدين خرمشاهي به عنوان یک قرآن پژوه «درد دين» را صفت هميشگي او تا لحظه مرگ دانسته است: «اخوان هرگز داعيه شريعتمداري و شريعت پناهي نداشته است اما درد دين و دغدغه ديني داشته است»(خرمشاهی، 1376: 221).

1. **نتیجه گیری**

 بررسی کارنامۀ شعری اخوان نشان می‌دهد که وی در حیات شعری خود مواضع متنوع و متفاوتی در مواجهه با عقاید اسلامی و شیعی دارد؛ از این میان، بررسی سیر سروده‌های شاعر، از سوگیری‌های متفاوت و متضاد او در قبال مکتب رضوی و به خصوص نمود بیرونی و آداب و مناسک مرتبط با این اعتقاد پرده بر می‌دارد. کشمکش فکری اخوان ، نهایتا به نوعی دگردیسی معرفتی منجر شده است؛ به طوری که دو دورۀ متفاوت در جهت‌گیری‌های دینی او می‌بینیم؛ دورۀ نخستین با رویکردی منتقدانه و دورۀ پسین با رویکردی ستایشگرانه. این تغییر در مواضع را می‌توان بر دو اساس تبیین کرد: نخست بر اساس فرضیۀ «تکامل»؛ به این معنی که شاعر با تجدید نظر در مواضع پیشین خود، سیری تکاملی را تجربه کرده و با اظهار ارادت به ساحت رضوی، بُعد دینی اعتقادی اندیشه‌اش را به کمال رسانده است؛ این فرضیه در صورتی باورپذیر است که زندگی شاعر و سیر شاعرانه او را با تجاربی از نوع ندامت یا طرد منفی نگری یا بلوغ معرفتی ملازم بدانیم. با این حال اگر زندگی شاعر را به شکل خطّی نبینیم و قوس صعود و نزول و آغاز و پایانی برای آن متصوّر نباشیم بلکه دایره‌ای ببینیم که همۀ نقاط تیره و روشن را در خود جمع کرده، لازم است که نظام فکری شاعر را بر اساس فرضیه «تناقض» تبیین کنیم؛ بر این اساس، شاعر تا پایان عمر نتوانسته دیدگاهی یک‌سویه و یک‌دست درباره مکتب رضوی و لزوم و ضرورت آن داشته باشد و در حیرت و تناقضی معرفتی به سر برده است.

**منابع ومآخذ**

آجودانی، ماشاالله. (1393). *یا مرگ یا تجدد*؛ دفتری در شعر و ادب مشروطه. تهران: نشر اختران.

اخوان ثالث، مهدی.(1348). *بهترینِ امید(برگزیدة عقیده و نثر و شعر)*. تهران: آگاه.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .(1373). *حریم سایه های سبز 2 (مجموعه مقالات اخوان)*. زیر نظر مرتضی کاخی. تهران: زمستان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .(1382). *صدای حیرت بیدار؛ گفتگوهای اخوان*. زیر نظر مرتضی کاخی. تهران: زمستان و مروارید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .( 1384). *حریم سایه های سبز 1 (مجموعه مقالات اخوان)*. زیر نظر مرتضی کاخی. تهران: نشر زمستان و مروارید.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .( 1388). *ارغنون*. تهران. زمستان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .(1389الف). *آخر شاهنامه*. تهران: زمستان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_ . (1389ب). *تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم*. تهران: مروارید و زمستان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .(1390الف). *زمستان*. تهران: زمستان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_. (1390ب). *سه کتاب (در حیاط کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید امّا باید زیست، دوزخ امّا سرد)*.تهران: زمستان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_ .(1390ت). *از این اوستا*. تهران: زمستان.

اخوان ثالث، مهدی. (1393). *سال دیگر ای دوست ای همسایه*. تهران: زمستان.

پژوم، جعفر. (1381). *نامی و نامه ای از مهدی اخوان ثالث*. تهران: سایه.

حیدری، رسول. (1393). «تأملات فلسفی و هستی شناسانه در شعر مهدی اخوان ثالث». *فصلنامه علمی-تخصّصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی*. س 4 . ش 12. صص: 29-44.

خرمشاهی، بهاءالدین. (1376). *در خاطرة شطّ*. تهران: جاویدان.

زرقانی، مهدی. (1383). *چشم انداز شعر معاصر ایران*. تهران: نشر ثالث.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (1390). *با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه های تحوّل شعر معاصر ایران*. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_. (1391). *حالات و مقامات م. امید*. تهران: سخن.

طاهباز، سیروس. (1370). *دفترهای زمانه؛ بدرودی با مهدی اخوان ثالث و دیدار و شناخت م. امید*. تهران: ناشر: گردآورنده.

عظیمی، میلاد؛ طیّه، عاطفه. (1393). *پیر پرنیان اندیش*. تهران: سخن.